

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره اول - پاییز ۱۳۷۸

صص ۳۰ - ۲۱

## تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تحت پوشش سازمان بهزیستی استان اصفهان

سید احمد احمدی\* - ابوالقاسم قاسمی\*\*

### چکیده

این تحقیق تجربی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر میزان رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده را با توجه به جنسیت آنان مورد بررسی قرار می‌دهد. فرزندان شبه خانواده، کودکانی بودند که در شبانه‌روزی‌های سازمان بهزیستی اصفهان زندگی می‌کردند.

جامعه آماری این تحقیق، فرزندان بی‌سرپرست تحت پوشش سازمان بهزیستی استان اصفهان در محدوده سنی ۱۸-۱۰ سال، در سال ۶-۱۳۷۵ بودند. ۶۰ نفر از این فرزندان (۳۰ نفر پسر و ۳۰ نفر دختر) به صورت تصادفی انتخاب شدند، سپس ۱۵ نفر از هر گروه در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه گواه به صورت تصادفی قرار گرفتند. متغیر مستقل، آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی بود که

طی ۹ جلسه، یک ساعت در هفته اعمال گردید. متغیر وابسته رشد اجتماعی بود، رشد اجتماعی به وسیله مقیاس رشد اجتماعی ایس وایترمن به صورت پیش آزمون و پس آزمون اندازه گیری شد.

فرضیه این تحقیق این بود که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تأثیر مثبت دارد و اینکه اثر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی در پسران و دختران تفاوت معنی داری دارد.

نتیجه این تحقیق نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی بین فرزندان شبه خانواده تأثیر داشته است ( $F = ۵۷/۳$ ،  $P < ۰/۰۰۱$ ). اثر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی بین دختران و پسران تفاوت معناداری نداشت ( $P < ۰/۸۹$ ،  $F = ۰/۰۱۸$ ).

#### مقدمه

فراگرد اجتماعی شدن از ابتدای کودکی شروع می‌شود. کودک ضمن مشاهده رفتار والدین و همانندسازی و تعامل با آنان رفتار اجتماعی را فرا می‌گیرد. اجتماعی شدن فرایندی است که با آن فرد دانش و مهارت‌های لازم را برای مشارکت فعال و مؤثر در زندگی اجتماعی کسب می‌کند. نهاد خانواده نخستین و مهمترین پایگاه برای اجتماعی شدن کودک است. روابط متقابل پدر و مادر با فرزندان موجبات اجتماعی شدن آنان را فراهم می‌سازد.

فقدان پدر و مادر به هر علتی که باشد بر نحوه رشد اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد. کودک بی سرپرست از رابطه عاطفی طبیعی محروم است و الگوهای معمول برای روابط متقابل با دیگران را دریافت نمی‌کند. گرچه این کودکان را مربی و گروه همسالان حمایت می‌کنند، ولی این حمایت‌ها نمی‌تواند جای رابطه عاطفی والدین را بگیرد و نقش الگویی مناسب را برای این کودکان داشته باشد. بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) به ناراحتی‌های کودکان بی سرپرست توجه کرد. او دریافت که این کودکان در برقراری روابط صمیمانه با دیگران دچار مشکل هستند و معمولاً دوستان نزدیکی ندارند. کودکان بی سرپرست رفتارهای سه‌گانه اعتراض، درماندگی و گسستگی از دیگران را از خود نشان می‌دهند. تصور بر این است که آسیب‌های ناشی از اقامت در مؤسسات، دایمی

است و تغییر نمی‌کند؛ ولی مشخص شده است که این کودکان می‌توانند تحت آموزش قرار گیرند و تغییر رفتار دهند. (کاپلان و سادوک، ۱۳۶۸، ص ۲۱۳).

معمولاً کودکان بی‌سرپرست محیط و شرایط لازم را برای رشد اجتماعی ندارند. اگر محیط و شرایط مناسب ایجاد شود این کودکان می‌توانند از نظر اجتماعی رشد کنند. آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند زمینه را برای رشد اجتماعی این کودکان فراهم سازد. در این تحقیق مهارت‌های اجتماعی به این کودکان آموزش داده می‌شود و تأثیر آن بر رشد اجتماعی این کودکان بررسی می‌گردد.

### سابقه تحقیق

پژوهشی در سالهای ۵۵ - ۵۰ در مراکز شبه خانواده تهران نشان داد که کودکان خردسال و زیر ۷ سال در این مراکز به میزان ۲ تا ۳ سال از نظر رشد اجتماعی کمتر از متوسط اجتماعی بودند. این عدم رشد ممکن است ناشی از نبودن ارتباط با اعضای خانواده و جامعه باشد (بابایی و همکاران، ۱۳۶۹). از بین عوامل مؤثر بر رشد اجتماعی کودک، خانواده نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. اجتماعی شدن به‌طور عمده در سنین کودکی از طریق امر و نهی والدین و مشاهده رفتار آنان صورت می‌پذیرد (شرفی، ۱۳۶۴).

تحقیقات نشان داده است که فقدان والدین به‌خصوص پدر بر عملکرد هوش، سازگاری، نقش جنسی و رفتار اجتماعی اثر منفی می‌گذارد (کارتلیج و همکاران، ۱۳۶۹). تحقیقات «بی» در ۱۹۷۴ نشان داد که تأثیر فقدان پدر در پسرها بیشتر از دخترهاست و زمانی که فقدان پدر قبل از سال چهارم اتفاق افتد باعث بروز ویژگی‌های زنانه در پسران می‌شود. فقدان پدر در دختران باعث می‌شود که در سن بلوغ در برخورد با مردان دچار مشکل شوند (والجاک و همکاران، ۱۳۶۶).

قرار گرفتن کودک در محیط پرورشگاه به دلیل ثابت نبودن الگوهای تربیتی، فقدان ایفای نقش و تقسیم کار که لازمه استقلال‌پذیری کودک است و همچنین فقدان ارتباطات عاطفی مثبت، مناسب، گرم و صمیمانه، زمینه پرورش مهارت‌های اجتماعی و فرصت رشد اجتماعی را فراهم نمی‌سازد و علی‌رغم سعی در ارتباط با مربیان پرورشگاه و همسالان ضایعات جبران‌ناپذیری را بر کودک تحمیل می‌کند. عدم حضور والدین الگوی مناسب اجتماعی شدن را تهدید می‌نماید (ایپکچی، ۱۳۶۸).

بالبی (۱۹۶۹) که تجربیات زیادی در زمینه کودکان بی سرپرست داشت پس از توصیف ضایعات قطع کنش عاطفی بین مادر و کودک به پیامدهای این جدایی اشاره می‌کند و معتقد است که اثر این قطع کنش عاطفی به صورت واکنش‌های بیمارگونه بروز می‌کند. صنعتی‌نیا در ۱۹۷۰ کودکان ۴ ساله عادی و پرورشگاهی را از نظر رفتار سازشی مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که تمایلات اتکایی در کودکان پرورشگاهی کمتر از کودکان عادی بود. همچنین حس کنجکاوی و کسب رشد اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی در کودکان پرورشگاهی نسبت به کودکان عادی کمتر بود.

یکی از راه‌های رشد اجتماعی کودکان بی سرپرست آموزش مهارت‌های اجتماعی است. آموزش مهارت‌های اجتماعی با نظریه یادگیری اجتماعی «باندورا» مرتبط است. به نظر باندورا (۱۹۷۷) ایجاد الگویی از رفتار اجتماعی می‌تواند عامل مؤثری در یادگیری مهارت‌های اجتماعی باشد و به نتایج مثبت در روابط اجتماعی بینجامد. تریف (۱۹۷۶) مهارت‌های همکاری را به ۵۸ نوجوان مراکز شبانه‌روزی آموزش داد و توانست مهارت‌های همدلی، همکاری و خویش‌داری را با موفقیت به آنان یاد دهد (کارتلج و همکاران، ۱۳۶۹). این تحقیق به آموزش منظم مهارت‌های اجتماعی خواهد پرداخت و مبتنی بر دیدگاه باندورا است.

### روش تحقیق

این تحقیق تجربی است و در آن متغیر مستقل یعنی مهارت‌های اجتماعی، در گروه آزمایش اعمال شد و با اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد اجتماعی در دو گروه آزمایش و گواه مقایسه گردید تا تأثیر متغیر مستقل بر گروه آزمایش مشخص گردد.

جامعه آماری این تحقیق فرزندان شبه خانواده تحت پوشش سازمان بهزیستی اصفهان در ۱۳۷۵-۶ بودند. از بین این فرزندان ۳۰ نفر دختر از مرکز شبانه‌روزی دختران اصفهان و ۳۰ نفر پسر از مرکز شبانه‌روزی پسران کاشان در گروه سنی ۱۸ - ۱۰ سال به صورت تصادفی منظم انتخاب شدند، سپس به قید قرعه نیمی از هر گروه در گروه آزمایش و نیمی در گروه گواه قرار گرفتند.

سنجش رشد اجتماعی به‌عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون با مقیاس رشد اجتماعی وایتزمن (۱۳۷۱) انجام گرفت. این مقیاس به صورتی مقدماتی در ۶۰ دانش‌آموز اجرا شد

و از طریق دو نیم کردن، ضریب اعتبار پرسشنامه ۰/۹۸ و ضریب همبستگی آن با فرمول اسپیرمن-براون ۰/۹۹ به دست آمد.

متغیر مستقل، مهارت‌های اجتماعی بود که به صورت ۹ جلسه از منابع مختلف استخراج و با نظر متخصصان تنظیم شد.

جلسات شامل مهارت‌های زیر بود:

۱- آشنایی با توانایی بالقوه خویش.

۲- همکاری با دیگران در انجام کار.

۳- بیان احساسات خویش و تجسم عواطف.

۴- آموزش خویشتن‌داری.

۵- مهارت‌های مواجهه با فشار گروهی.

۶- آموزش حمایت از مواضع خویش.

۷- مهارت‌های تصمیم‌گیری.

۸- مهارت‌های برنامه‌ریزی.

۹- رعایت حقوق دیگران.

ابتدا هدف از آموزش هر مهارت بیان شد، سپس کارتی شامل وظایف فرد در هر مرحله داده می‌شد، مثلاً برای آشنایی با توانایی بالقوه خویش در کارت آمده بود که فرد به توانایی خود در جهت صحبت کردن، سؤال کردن، گوش دادن، احترام گذاشتن، درخواست کردن و ابراز نظر نمودن توجه کند. این موارد آموزش داده می‌شد و اجرا می‌گردید و سپس از فرد خواسته می‌شد تا موارد فوق را در منزل تمرین کند و نتایج حاصل را در جلسه بعد گزارش دهد.

فرضیه‌های این تحقیق عبارت بود از:

۱- آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تأثیر مثبت دارد.

۲- تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی دختران و پسران تفاوت معناداری دارد.

### نتایج تحقیق

قبل از بررسی نتایج تحقیق، میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار گروه آزمایش و گواه

گروه	N	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین استاندارد	
پیش‌آزمون	آزمایش	۳۰	۱۰/۳۳	۲/۰۷	۰/۳۷
	گواه	۳۰	۱۱/۲	۲/۱۵	۰/۳۹
پس‌آزمون	آزمایش	۳۰	۱۴/۸	۲/۰۹	۰/۳۸
	گواه	۳۰	۱۱/۳۶	۲/۲۸	۰/۴۱

فرضیه اول تحقیق این بود که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تأثیر مثبت دارد. جدول شماره ۲ نتایج آزمون تفاضل میانگین‌ها و وابسته مربوط به این فرضیه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: نتایج تفاضل میانگین پس‌آزمون از پیش‌آزمون در گروه آزمایش

تفاضل میانگین پس‌آزمون و پیش‌آزمون	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین استاندارد	۱ وابسته
	۲/۳۱	۳/۰۳	۳/۹	۵/۹۰

$$P < 0/001$$

نظر به اینکه ۱ به دست آمده در جدول از سطح ۰/۰۰۱ بیشتر است، بنابراین تفاوت معنادار است و میانگین گروه آزمایش در پس‌آزمون بیش از پیش‌آزمون است، به این ترتیب متغیر مستقل اثر داشته و آموزش مهارت‌های اجتماعی اثر مثبت بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده داشته است.

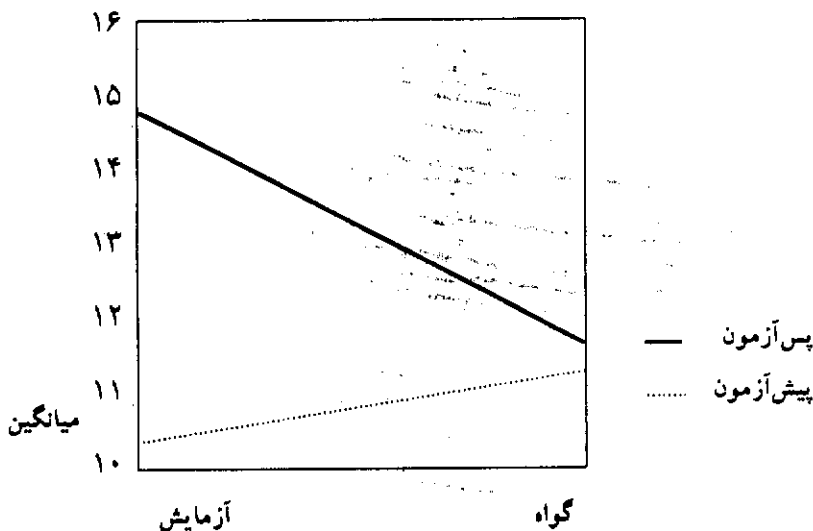
برای آزمون فرضیه اول و دوم و بررسی تأثیر پیش‌آزمون و جنسیت در نتیجه، از تحلیل کواریانس استفاده شد. نتیجه این تحلیل در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: تحلیل کواریانس برای نشان دادن اثر متغیر مستقل

منبع	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	قدرت آزمون
جنسیت	۱	۶/۸۸	۰/۰۱۸	۰/۸۹	۰/۰۵۲
متغیر مستقل	۱	۲۱۶/۳۹	۵۷/۳۷	۰/۰۰۱	۱
متغیر مستقل و جنسیت	۱	۰/۲۳	۰/۰۶۲	۰/۸	۰/۰۵۷

براساس نتایج جدول شماره ۳، F به دست آمده در جنسیت پایین‌تر از F جدول است و نشان می‌دهد که جنسیت در متغیر مستقل تأثیر نداشته و اثر مهارت‌های اجتماعی در رشد اجتماعی از نظر جنسیت تفاوت معناداری ندارد. بنابراین فرضیه دوم تأیید نمی‌شود. متغیر مستقل و جنسیت هم اثری بر متغیر مستقل نداشته‌اند.

F به دست آمده در مورد متغیر مستقل ۵۷/۳۷ و از F جدول بزرگتر است و نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن اثر جنسیت و اثر پیش‌آزمون، متغیر مستقل تأثیر داشته و F به دست آمده در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. بنابراین آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تأثیر داشته است و فرضیه اول تأیید می‌شود. نمودار یک اثر متغیر مستقل بر گروه آزمایش را نشان می‌دهد.



### بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی، رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده را افزایش می‌دهد (جدول شماره ۲ و ۳). این نتیجه با یافته‌های تریف (۱۹۷۶) مبنی بر اینکه آموزش همکاری به جوانان شبه خانواده باعث موفقیت آنان در برقراری روابط اجتماعی می‌شود، همسو است. در آموزش مهارت‌های اجتماعی شرایطی ایجاد می‌شود که فرزندان شبه خانواده به دلیل محدودیت‌های محیطی عملاً نقش‌های اجتماعی اندکی را پذیرا هستند و چنین تصور می‌شود که آنان نتوانسته‌اند به رشد مناسب اجتماعی برسند. آموزش مهارت‌های اجتماعی و ایجاد فرصت و امکان برای ایفای نقش اجتماعی، رشد اجتماعی این فرزندان را افزایش می‌دهد و می‌تواند در ایجاد رابطه اجتماعی موفق گردند.

در این تحقیق بر نقش مربی به عنوان سرمشق تأکید شده است. مربی ابتدا مهارت اجتماعی را به صورت الگوی رفتاری نشان می‌داد و فرزندان با مشاهده آن رفتار، آن را نمونه برداری و اجرا می‌کردند. این نوع یادگیری تأییدی بر نظریه باندورا (۱۹۷۷) است که نقش الگوها را در یادگیری مؤثر می‌داند. در یادگیری مشاهده‌ای، فرد به مشاهده رفتار الگو می‌پردازد و با تبعیت از آن، رفتار مورد نظر را یاد می‌گیرد. در این تحقیق، ابتدا مربی مهارت اجتماعی مورد نظر مثلاً بیان احساسات خوشتن و تجسم عواطف را نشان داده و اجرا کرده است. فرزندان شبه خانواده پس از مشاهده آن رفتار به انجام آن مبادرت می‌نمودند و به صورت تکلیف منزل آن را تمرین کرده و یاد می‌گرفتند.

برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی در این تحقیق به صورتی تنظیم شده بود که نقش اصلی را به فرزندان شبه خانواده می‌داد. اصولاً در مهارت‌های آموزشی اگر فرد فرصت یابد تا رفتاری را انجام دهد و بازخورد بگیرد تقویت می‌شود و آن را یاد می‌گیرد. آموزش مهارت‌های اجتماعی در این تحقیق به صورت گروهی انجام گرفته است. گروه همسالان عامل تقویت و عامل بازخورد بوده‌اند. یعنی اگر رفتار به خوبی انجام می‌گرفت بازخورد مثبت می‌داد و باعث تقویت رفتار می‌شد و اگر رفتار به خوبی انجام نمی‌گرفت بازخورد منفی می‌دادند و باعث اصلاح رفتار می‌شد. در این تحقیق اصول یادگیری



اجتماعی یعنی مشاهدهٔ سرمشق (مدل)، ایفای نقش، بازخورد و تقویت مورد استفاده قرار گرفته و باعث افزایش رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده شده است.

براساس یافته‌های این تحقیق، رشد اجتماعی پسران و دختران تفاوت معناداری نداشته است (جدول شماره ۳). تفاوت نداشتن پسران و دختران را می‌توان به انگیزه و توان یادگیری هر دو جنس نسبت داد. رشد اجتماعی مورد توجه پسران و دختران است. هر دو جنس می‌خواهند که در روابط جمعی و سازگاری اجتماعی موفق باشند. بنابراین هر دو جنس به یادگیری مهارت‌های اجتماعی علاقه نشان داده‌اند و با انگیزهٔ قوی، توان خود را به کار گرفته‌اند و در نتیجه به رشد اجتماعی برابری رسیده‌اند.

این تحقیق شیوهٔ منظم و برنامه‌ریزی شدهٔ آموزش مهارت‌های اجتماعی را به تجربه گذاشته و نشان داده است که با آموزش منظم و برنامه‌ریزی شده می‌توان نقیص یادگیری در یک رفتار را که ممکن است در مراکز از قبیل شبه خانواده اتفاق بیفتد جبران کرد و در زمان مناسب مهارت‌های لازم را به افراد این مراکز یاد داد. آموزش مهارت‌های اجتماعی در این تحقیق طی ۹ جلسه و با استفاده از منابع مختلف و زیر نظر متخصصان تدوین شده است و می‌تواند نمونهٔ مناسبی برای آموزش این‌گونه مهارت‌ها باشد.

## منابع و مأخذ

ایسپکچی، حسن. (۱۳۶۹)، مطالعه و ارزیابی دو شیوهٔ سرپرستی شبه خانواده و شبانه‌روزی مستقل در تهران، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

بابایی، ناصر و ابراهیم باقری، (۱۳۶۹)، نگرش بر پدیدهٔ بی‌سرپرستی و مشکلات فرزندان دور از خانواده، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۶۴)، مراحل رشد و تکامل انسان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

صنعتی‌نیا، عباسعلی. (۱۳۷۰)، در مسیر داوری، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

کاپلان و سادوک، خلاصهٔ روان‌پزشکی، ترجمهٔ م. همدانی، (۱۳۶۸)، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- کارتلیج، جی و جی اف میلبرن. آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه طوسی، (۱۳۶۷)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- نلسون، ریتا ویکس و الن ایزرائل. اختلالات رفتاری کودکان، ترجمه طوسی، (۱۳۶۷)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- والچاک، ایوت و برنز شیلا. طلاق از دید فرزند، ترجمه طاهره فرزانه، (۱۳۶۶)، تهران، نشر مرکز.
- وایتزمن، الیس. رشد اجتماعی برای جوانان و خانواده، ترجمه سیما نظیری، (۱۳۷۱)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

Bandura, R. (1977). *Self efficiency, Toward a unifying theory of Behavioral chang*. *Psychiatry Review*, Vol. 84. P. 191-215

Bowlby, J. (1969). *Child care and the Growth of love*. Attachmant and Loss. Vol. 1. New York. Basic Book.

Morgan, R. (1980). *Analyis of social skills*, New York, Plenum Press.